صولت‌الدوله واقع درسمیرم را که‌مالك آن‌زندانی دولت بدون دادن‌پول‌وباعوض تصرف کرده بود بموجب سند رسمی شماره ۶۰۵ دفتر اسناد رسمی شماره ۱۵ شیراز از دولت خریداری نمود . بعداز شهریور ۱۳۲۰ که‌آن دوره خاتمه پیدا کرد و مالکین حقیقی آزاد شدند املاك خود را تصرف نمودند چون دولت‌ضامن درك‌است‌طبق ماده۳۹۱ و ۳۹۳ و ۳۱۴ قانون‌مدنی میبایست مبلغ ۲۰۷۶۳ تومان ثمن معامله را بآقای شیروانی رد کند ، بجای اینکار آقای بدرفریهٔ خیرآباد خالصه‌ورامین را که قریب یك میلیون تومان ارزش دارد بآقای شیروانی واگذار کرده است چون‌آقای بدرمقام وزارت رسیده‌اند من نخواستم ایشان‌را برتبهٔ معاونت تنزل دهم ودر اعلام‌جرمی که در۲۰ آبان ماه بمجلس تقدیم نموده‌ام او را فقط مجرم و مشمول ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی دانسته‌ام ولی‌پس‌از قرائت لایحه دفاعیه‌ای که‌در۱۴ آذرماه بکمیسیون عرایض داده اند لازم شد عمل ایشان را بمادهٔ ۱۵۳ قانون مجازات عمومی راجع بمعاملات فرری وماده ۲۳۸ و ۲۸ راجع به کلاه برداری ومعاونت مجرم تطبیق وایشان را هم‌مجرم وهم معاون آقای شیروانی دراین جلسه معرفی کنم دراین دورهٔ که‌من‌وارد مجلس‌شدم میتوانستم برای انجام وظیفه ازدو رویه‌یکی‌را انتخاب کنم یااینکه خودخلافکاری‌نکنم و متعرض خلافکاران هم نشوم ونظریات همه‌رانسبت بخود جلب‌کنم کااین همان طریقی‌است که‌عرفی شاعر ارائه کرده وگفته است « چنان بامردمانی خوکن که بعداز مردنت عرفی - مسلمانت بزم زم شوید وهندو بسوزاند » و یا این که همان رویهٔ سابق خود را که صراحت لهجه و اظهار عقیده هر وقت که نفع جامعه ایجاب‌میکند تعقیب کنم ،چون اوضاع‌ناگوار مملکت اقتضا نمیکرد منکه در تمام عمر شاگرد دبستان عرفی نبوده‌ام در این آخر عمروارد این دبستان بشوم بهتر آن دانستم که‌همان رویهٔ سابق خود را از دست ندهم ، من بآنهائیکه در موقع اوبستر کسیون میگفتند بین‌اکثریت واقلیت‌مجلس مطالبی روی داده که باید خودشان رفع اختلاف کنند ایراد میکنم ویقین دارم کااین قبیل اشخاص که فاقدرشد ملی هستند میتوانند کوچکترین‌خدمتی بمملکت بنمایند زیرا اختلاف این دو دسته جنبهٔ شخصی نداشت که مردم تماشاچی باشند و بیطرف بمانند و مربوط بقضایای مهم مملکت بود که‌هر کس بهر یك از طرفین عقیده داشت میبایست از آن طرف حمایت و آنرا در پیشرفت نظریاتش تقویت نماید.

در این مملکت‌هیچکس‌بقدر من از روزنامه‌ها بدوناسزا نشنیده‌است‌منکه برای‌اصلاح‌مملکت‌حاضر بجان‌بازی شده‌ام از ناسزا و توهین و حتی ضرب و شتم که از درجات اولیه فداکاری است نباید هراس کنم

طبق‌فقرهٔ ۲۹ ازماده ۲۰ آئین نامه دادگاه نظامی موقت وماده ۳۴و۳۵ و۳۶ قانون مطبوعات من‌می توانستم روزنامه میهن و مدیر آن‌را تعقیب کنم‌از دادگاه بمن تلفن کردند ولی نخواستم این‌کار را بکنم همه میدانند که‌عده زیادی ازروزنامه هابرای حمایت ازخلافکاری‌صاحب‌خودوباحمایت ازخلافکاری دیگران‌تأسیس شده‌است که من این روزنامه ها را بطپانچه‌جیب دزدتشبیه میکنم همانطور که‌دزدبرای دفاع‌ازخود اسلحه میخواهد اورا که‌هروقت‌بخواهند دستگیر کنندبآن‌وسیله‌خودراخلاص کنداین‌قبیل‌روزنامه هاهم‌ازاین‌نظر تأسیس‌میشوند که‌بخودی و بیگانه‌فحش وناسزابدهند وباینطریق تقویت ازخلافکاری‌صاحب خود ویا از خلافکارانی که اجرت میدهند بنمایند (صحیح است) که در حقیقت باعث ننك مطبوعاتند (صحیح است) وهر وقت که بمطبوعات ماهمنی رکن چهارم مشروطیت بخواهند لطمه وارد کنند بهانه مندرجات این روزنامه هارا قرار میدهند .وباین‌بهانه ممکن‌است ازماسلب آزادی کنند .

من بروزنامه هائی که‌من وامثالم رادوام فریب معرفی میکنند هیچ ارزش نمیدهم و خلاصه ای از مذاکرات خودرابا مرحوم مشیرالدوله راجع بعوام فریبی‌در این جلسه نقل میکنم :

مرحوم مستوفی و مرحوم مشیر الدوله و جناب آقای حسین پیرنیا (مؤتمن الملك) عادت نداشتند که در مجلس شورای ملی اظهار عقیده کنند نتیجه این بود که از حضور آنها در مجلس دولت‌ضرر نمیکرد و استفاده هم میبردزیرا عضویت آنها در مجلس سبب میشد که بدورهٔ تقنینیه وزنی‌بدهدو آنرا بجامعه مجلس ملی معرفی کند لذا دردورهٔ هفتم‌تقنینیه که‌دولت درانتخابات‌طهران‌دخالت نمود بعضی‌ها ازقبیل مدرس انتخاب نشدندولی آقایان نامبرده انتخاب شدند روزی مرحوم مشیرالدوله بمن فرمود در موقع انتخابات هر کس خواست عقیدهٔ مرا استنباط کند اظهاری ننمودم تا انتخابات که تمام شد بواسطهٔ عدم قبول نمایندگی بطلان آنرا ثابت کنم من‌واسطه‌بودم که‌مرحومان جنت‌مکان منزل آقای‌موتمن الملك بروندوباهم نسبت باستعلام حاکم‌طهران‌راجع بقبول وکالت‌وباردآن‌اتخاذتصمیم کنندونتیجه‌آن‌جلسه این‌شد که‌بحکومت‌تهران کتباًجواب‌منفی‌دهند.مرحوم مشیرالدوله و جناب آقای موتمن‌الملك همینطور عمل نمودند ولی مرحوم مستوفی سکوت اختیار نمود و بواسطه‌نرفتن‌بمجلس‌عملا رد کرد مرحوم‌مشیرالدوله فرمود که آقای مستوفی بوعدهٔ خود وفا ننمود عرض کردم که هوا خواهان دولت میگویند شما هم‌خوب بود عوام فریبی‌نمیکردید و شاه را از خود مکدر نمینمودید فرمود نظرشما چیست عرض کردم چون آقای مستوفی از شاه کار قبول کرده بود بقدر شما سرمایه نداشت که‌وکالت شاهرا صراحة و کتباًرد کند همچنانکه آقای‌مستوفی‌باآقای‌وثوق‌الدوله‌مذاکره‌نمودکه ایشاق‌هم‌بمجلس نروندوبااین‌دسته‌همکاری کنندجواب آقای‌وثوق الدوله این بودازفرط گرفتاری‌نمیتوانم انتخاب دولت راقبول نکنم ازقبول ویاردنمایندگی هر کس نظری داشت نظر مرحوم مشیرالدوله این بود که بطلان انتخابات را کتباً ثابت کند تا اگر یك قرارداد بین المللی‌برضررملت منعقد شدرسمیت پیدا نکند ولی نظر دیگران از قبول نمایندگی این‌بود که‌صاحب‌آلاف‌والوف‌شوند کمااینکه‌شده‌اند و باهر سازی رقصیده و جامعه را باین صورت درآورده‌اندازمطلب‌دورشدیم‌چون‌هیچ کاری‌بی‌سرمایه نمیشود اکنون میخواهم قدری‌عوام‌فریبی کنم و نسبت بپیشنهاد خود توضیح دهم و بکمیسیون دادگستری مجلس اعتراض کنم

راجع باعلام جرمی که دولت برعلیه آقای تدین نموده است نظریات خودرا در گزارش مفصلی که تقدیم‌شده بعرض آقایان نمایندگان محترم رسانیده‌ام و اکنون بطور خلاصه عرض میکنم که عمل ایشان منطبق با ماده ۱۵۳ بعنوان مجرمیت و ماده ۲۳۸ و ۲۸ راجع بکلاهبرداری ومعاونت بمجرم ومشمول قانون مجازات عمومی است اعتراض من بکمیسیون این است که در اردیبهشت ۱۳۲۳ پنج نفره اعلام جرم برعلیه آقای سهیلی داده شده که ۱۸ ماه است در کمیسیون مدفون شده است و هر وقت من در مجلس اظهاری کرده‌ام گرفتاریکی‌از روزنامه‌ای‌اجیر سهیلی‌شده‌ام‌چون‌تبرئه آقای‌تدین‌سبب‌شدکه‌من‌درمجلس اعتراض کنم عده زیادی از نمایندگان که برای انتخاب خود مرهون‌سهیلی هستند وبعضیها هم بجهات دیگر تصور میکنند اگر اورا تبرئه کنند چون اعلام جرم یکی‌نیست و۵فقره هست بکلی مفتضح‌شوند پس بهتر آن‌است که کمیسیون‌دادگستری سکوت‌اختیار کند تا دوره تمام شود وانصافا نقشه‌خودرا در انتخاب اعضای کمیسیون بسیار خوب اجراء کرده‌اند زیرا اکنون ۱۸ ماه است که کمیسیون ساکت است‌وهر وقت‌هم‌که یکی از نمایندگان اعتراض کرده پریش اعتراض کننده‌خندیده‌اند چنانچه این دوماه‌هم گذشت مرورزمان‌متهمین‌را تبرئه خواهد نمودخلاصه اینکه حمایت از خلاف کاران را بانجام وظیفه ترجیح داده اند .

من برای ضبط در تاریخ امروز هیئت رئیسه کمیسیونراکه عبارتست ازآقای بهبهانی‌رئیس که بواسطه کسالت حضور ندارند - آقای‌دکتر عبده مخبر-آقای‌دکتر کیان‌نایب‌رئیس - وآقای‌فولادوند منشی بجامعه معرفی میکنم وامیدوارم‌که این‌آقایان خصوصا آندونفرکه دکتر در علم حقوقند راضی نشوند حقوق جامعه بیش ازاین پایمال‌شودوآقای فولادوندکه دریکی ازجلسات گذشته ازاعتراض من بکار کمیسیون دادگستری بسیار متأثر شدند اگر برای‌عدم انجام وظیفه و اجرا نشدن ماده ٤ قانون محاکمه وزراءکه هیچ اعلام جرمی طبق‌ماده‌مزبور نباید بیش ازیکماه در کمیسیون بماند دلایلی‌دارند اظهار فرمایند .

عنقریب این دوره خاتمه پیدا می‌کندو این بدنامی برای تمام نمایندگان در تاریخ پارلمانی ایران میماند چون‌همه نمیدانند که دراین‌دوره چه اشخاصی عضو کمیسیون دادگستری بوده و ازبین اعضاء کمیسیون کدام یك از خلافکاران حمایت می‌نمایند امیدواریم که‌مردم خوب‌قضاوت کنندوصالح رااز طالح تمیز دهند.

من‌از آقایانیکه مایلند اتهام آقای تدین در دیوان کشوررسیدگی‌شده وحقایق بجامعه‌معلوم‌شود درخواست‌میکنم که‌بگزارش کمیسیون دادگستری که‌آقای تدین راتبرئه نموده است ورقه آبی‌بدهند وپیشنهاد میکنم که‌لایحهٔ کمیسیون دادگستری که درمجلس قرائت شده‌وراپرت مفصل آن‌هم‌درمجلس بعرض آقایان رسیده دراین‌ساعت قبل‌ازاینکه‌وارد سایراوایح بشویم چون فقطیك‌رای میخواهد رای بدهندو بیش‌ازاین مردم‌را باین مجلس‌بدبین نکنند بجهت اینکه مدتی‌است که این‌قضیهٔ تدین‌در این مجلس آمده ورفته وتقریباً میخواهم‌عرض کنم که ده ساعت تمام شایدوقت‌مجلس شورای‌ملی‌را گرفته (جمعی ازنمایندگان— رای بگیرند) امروز اگر

این کار ناتمام بماند بنده گمان میکنم‌دیگرخواهد ماند برای آخردوره‌وآخردوره هم که شداین کار دیگر نخواهدگذشت ویك‌بدنامی بزرگی برای‌این دورهٔ چهاردهم خواهد گذاشت . ازآقایان‌خواهش میکنم اگر بخواهند معرایض من جواب بدهند بگذارند اول رای گرفته شود چون این‌قضیه دوسه دقیقه بیشتروقت نمیخواهد.

جمعی ازنمایندگان - رای - رای.

بعضی ازنمایندگان- قرائت بشود.

دکتر مصدق - قرائت بکنند [illegible]

غرض بنده این است که دیگر [illegible] شأن مجلس نیست.

۳ - قرائت گزارش ک[illegible] دائر بمنع تعقیب آقا[illegible] وعدم تصو[illegible]

نایب رئیس - آقا[illegible] بودند وارد دستور بشویم [illegible] رای رای) آقای وزیردارا[illegible]

وزیر دارائی (آ[illegible] خواستم استدعا کنم‌که بر[illegible] مصدق برای اینکه قطع [illegible] را اگرمجلس شورای ملی [illegible] بدهندعرضی ندارم رای با[illegible] هم بنده دارم.

نایب رئیس - چند [illegible] خواسته اند (جمعی ازنماید[illegible]

پوررضا - بنده ا[illegible]

نایب رئیس - بفر[illegible]

پوررضا - اگر بخو[illegible] رای‌بگیرید‌اغلب‌آقایان گز[illegible] خوب‌است گزارش‌اول خو[illegible] (صحیح است).

نایب رئیس — تو[illegible] خوانده شود .

(گزارش کمیسیون‌دادگس[illegible] (منشی) بشرح‌زیر قرائت‌ش[illegible]

گزارش کمیسیون دادگ[illegible]

کمیسیون دادگستری‌پرونده محمدتدین وزیرسابق خوا[illegible] بار آذربایجان تحت شور[illegible] پس از چند جلسه مطالعه [illegible] رسیدگی کامل و دقیق در [illegible] تراکم اوراق پرونده مز[illegible] لذا مقرر شد سو کمیسیو[illegible] انتخاب شود که‌پرونده ا[illegible] خلاصهٔ پرونده و نظریهٔ خ[illegible] نمایند .

سو کمیسیون برا[illegible] رسیدگی قرار داده در نتیجه گزارش خود را دائر بر عدم وقوع جرمی از طرف آقای تدین و منع تعقیب ایشان بشرح پیوست بکمیسیون تعلیم نمودند .

کمیسیون در جلسه پنجم مهر ماه ۱۳۲۳ گزارش مزبوررا قرائت و پس از مذاکرات لازمه دراطراف‌قضیه وتوضیحات‌اعضاءسو کمیسیون بالاخره بگزارش پیوست‌ومنع‌تعقیب آقای‌سیدمحمد تدین رای گرفته باکثریت تصویب و علیهذا گزارش آنرا برای‌تصویب‌مجلس‌شورای ملی‌تقدیم میدارد . مخبر کمیسیون‌قوانین دادگستری -نبوی

(بعضی ازنمایندگان -رای‌رای‌اعلام‌رای‌بفرمائید)

نایب‌رئیس- چون‌مذاکرات کافی شده‌است دو پیشنهاد رسیده است یکی راجع‌باخذ آراء با ورقه یکی‌هم راجع برای مخفی رای مخفی را هم میخوانند که ببینید وارد است یا نه ؟ (بعضی از نمایندگان -رای علنی‌باورقه بگیرید آقا) (عده‌از نمایندگان - رای مخفی بگیرید) راجع رای‌مخفی باید دید اعضاء ۱۵ نفر هست یا نه پیشنهاد و [illegible]

غرض بنده این است که دیگر [illegible] شأن مجلس نیست.

۳ - قرائت گزارش ک[illegible] دائر بمنع تعقیب آقا[illegible] وعدم تصو[illegible]

نایب رئیس - آقا[illegible] بودند وارد دستور بشویم [illegible] رای رای) آقای وزیردارا[illegible]

وزیر دارائی (آ[illegible] خواستم استدعا کنم‌که بر[illegible] مصدق برای اینکه قطع [illegible] را اگرمجلس شورای ملی [illegible] بدهندعرضی ندارم رای با[illegible] هم بنده دارم.

نایب رئیس - چند [illegible] خواسته اند (جمعی ازنماید[illegible]

پوررضا - بنده ا[illegible]

نایب رئیس - بفر[illegible]

پوررضا - اگر بخو[illegible] رای‌بگیرید‌اغلب‌آقایان گز[illegible] خوب‌است گزارش‌اول خو[illegible] (صحیح است).

نایب‌رئیس — تو[illegible] خوانده شود .

(گزارش کمیسیون‌دادگس[illegible] (منشی) بشرح‌زیر قرائت‌ش[illegible]

گزارش کمیسیون دادگ[illegible]

کمیسیون دادگستری‌پرونده محمدتدین وزیرسابق خوا[illegible] بار آذربایجان تحت شور[illegible] پس از چند جلسه مطالعه [illegible] رسیدگی کامل و دقیق در [illegible] تراکم اوراق پرونده مز[illegible] لذا مقرر شد سو کمیسیو[illegible] انتخاب شود که‌پرونده ا[illegible] خلاصهٔ پرونده و نظریهٔ خ[illegible] نمایند .

سو کمیسیون برا[illegible] رسیدگی قرار داده در نتیجه گزارش خود را دائر بر عدم وقوع جرمی از طرف آقای تدین و منع تعقیب ایشان بشرح پیوست بکمیسیون تعلیم نمودند .

کمیسیون در جلسه پنجم مهر ماه ۱۳۲۳ گزارش مزبوررا قرائت و پس از مذاکرات لازمه دراطراف‌قضیه وتوضیحات‌اعضاءسو کمیسیون بالاخره بگزارش پیوست‌ومنع‌تعقیب آقای‌سیدمحمد تدین رای گرفته باکثریت تصویب و علیهذا بگزارش مزبوربا‌ورقه‌اخذرای‌شود.دکترمصدق،فرمند صدر قاضی،مهندس فریور،مظفر زاده ، فرخ

چند نفر از نمایندگان — آقای فرخ نیستند

نایب‌رئیس - خوب پنجنفر ازآقایان‌هستند اجازه بفرمائید بنده نظرم‌را عرض کنم‌که رفع هر اشتباهی بشود مطابق پیشنهادی‌که شده است پنج نفر تقاضا کرده اند باید رای با ورقه گرفته شود

(صحیح است) توجه بفرمائید بنده خواستم‌توضیح عرض کنم که چون خبر مال یك سال و خورده ای پیش است آقایان توجه بفرمایند که در موقع رای دادن اشتباه نفرمایند

این رای دائر بعدم تعقیب آقای تدین است آقایانی که درواقع ورقه‌سفیدمیدهند رای کمیسیون دادگستری رانائید کرده‌اندوآقایانی که‌ورقه کبود میدهند آنهارای مخالف‌داده‌اندیعنی‌بارای کمیسیون موافق نیستند وباارجاع بدیوان کشور موافقت‌دارند بنابراین آقایان اشتباه‌نفرمایند خواستم تذکر بدهم ورقه سفید بااسم همان اوراقی که آنجا هست . . .

اجازه بفرمائید‌شماکه‌نمیگذارید [illegible] مجدداً تکرار میکنم [illegible] نود وشاید باز اشتباهی [illegible] سی که موافقند با خبر [illegible] برعدم‌تعقیب آقای‌تدین [illegible] همان کارتهائی که آنجا [illegible] خبر کمیسیون‌دادگستری [illegible] ن وموافق باتعقیب‌ایشان [illegible] بتند ورقهٔ کبود میدهند. [illegible] بف ممتنع‌راهم‌بفرمائید.) [illegible] سفید بی امضاء هم‌بمنزلهٔ [illegible] نعین‌جزء مخالفین‌هستند) [illegible] م جزء مخالفین‌محسوب [illegible] عده حاضر ۹۰ نفر است [illegible] میسیون دادگستری ٤٦ [illegible] ت قبول ٤۲ ورقهٔ کبود [illegible] د بی اسم علامت امتناع [illegible]

[illegible] آقایان ، پسور رضا — [illegible] ر - کاظم جلیلی-فرهودی [illegible] نصف - دکتر طاهری — [illegible] الاسلام ملایری - نجومی [illegible]

[illegible] آقایان ، سرتیپ زاده — [illegible] - عبدالکریم صدریه — [illegible] - دکتر معظمی - دولت [illegible] بری - کامبخش - فداکار [illegible] ر — صادقی - سلطانی - [illegible] دکتر رادمنش-مؤیدقوامی [illegible] نی - سنندجی - تیموری [illegible] اتماد - محمد طباطبائی - [illegible] ده — فرمانفرمائیان — [illegible] رد دکترمجتهدی-حسنعلی [illegible] - محمدتقی اسعد - علی [illegible] محمد بهادری - فلسفی - [illegible] نفق — دکتر معاون — [illegible]

[illegible] راین خبر کمیسیون‌تصویب [illegible] شور میشود (لنکرانی - [illegible] انشاالله مبارك است)(بعضی‌ازنمایندگان -دستور [illegible] دستور)(اردلان -آقا دستور ، دستور) موافقت [illegible] بفرمائید که‌وارد دردستور شویم

چون طبق ماده ۳۶۰ و ۵۳۲ آئین دادرسی کیفری مدعی‌خصوصی قسمت به حکم دادگاه استان فقط ازجهت تاثیرآن درحقوق شخصی‌خود حق فرجام دارد بنابراین نمیتواند ازحکمی‌که ازدادگاه استان برمحکومیت متهم ازلحاظ جنبه عمومی صادر شده فرجام‌بخواهد .

حکم‌شماره ۲۸۹۶ — ۱۹/۱۱/۳۰ شعبه ۲ و ۲۰۹۳ — ۲۱/۷/۲۵ شعبه ۲ و ۴۹۰ — ۲۴/۳/۱۶ شعبه ۲ دیوانعالی‌کشور .

اگرحکم‌محکومیت متهم‌در دادگاه استان ازنظرنقص‌بازجوئی‌گسیخته شده وبرود به دادسرای شهرستان برای تکمیل فرستاده شود مدعی‌خصوصی حق ندارد ازاین رای دادگاه فرجام‌بخواهد زیراطبق ماده ۳۵۱ و ۳۶۰ آئین دادرسی‌کیفری اساسا مدعی‌خصوصی‌فقط ازجهت تاثیرحکم‌در رفع‌روز بیان شخصی‌حق فرجام ازحکم‌دادگاه استان رادارد ورای دادگاه استان دراین مورد نسبت بحقوق ادعائی‌او بهرتقدیرموثرنخواهد بود .

حکم‌شماره ۴۲۹۰ — ۲۰/۲/۳۱ شعبه دوم‌دیوان کشور

قراری که دادگاه استان مبنی‌برعدم‌صلاحیت‌خود صادرمیکند اصولا ازطرف متهم‌قابل‌فرجام‌نیست .

حکم‌شماره ۱۰۸۴ — ۲۱/۴/۱۶ شعبه ۲ و ۱۵۱۰ — ۱۹/۵/۲۲ شعبه ۲ و ۸۸ — ۲۹/۱/۸ شعبه ۲ و ۳۶۱ — ۳۰/۲/۱۱ شعبه ۲ دیوان‌کشور

قرارمنع‌تعقیب متهم‌که بواسطه فقد دلیل‌در دادگاه استان استوارشود طبق مستنادازماده ۷۵ و ۸۰ آئین‌دادرسی‌کیفری قطعی‌وقابل‌اجراءبوده وقابل

۴ - بیانات آقای وزیر دارائی در پاسخ آقای دکتر مصدق

نایب‌رئیس - آقای وزیردارائی بفرمائید ،

وزیردارائی - بنده متأسفانه یك‌قدری‌دیر